

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ جنوری ۲۰۲۲

خوشرقصی * "گلبدین" در رکاب "طالب"!

جمعه- ۰۱ نلو ۱۴۰۰ - کابل: هرگاه به خبر های امروز شهر کابل توجه نموده باشید، یکی از خبرهایی که از طرف رسانه های حاکمیت "نظام ملا سالار" و تعداد دیگری که می شود گفت همیشه "سگ هر سوار" بوده و اکنون هم مطابق خواسته ها و امیال ضد انسانی طالب و نظام ملا سالار مطلب پخش می کنند، با کش و فش و با تخصیص وقت بیشتر پخش شد، تظاهرات نمایشی تعدادی خود فروخته و نوکر طالب و سگهای زنجیری ارتجاع هار مذهبی بود، در دفاع از سیاست های زن سیتیزانه نظام ملاسالار به خصوص تحمیل حجاب اجباری و حتا غیر شرعی مانند چادری بر زنان کشور. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- تا جایی که از مطالعه اوراق تاریخ بر می آید، ننگ دفاع از حجاب اجباری بعد از کشف حجاب در زمان صدارت "سردار محمد داوود" بر می گردد به اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ قرن گذشته، با تبارز نام "گلبدین" و بقیه اعضای "سازمان جوانان مسلمانان". اینها ضدیت شان را در همان زمان با کشف حجاب اختیاری از دو طریق به نمایش گذاشتند، به تعداد ۵۰۰ الی ۶۰۰ ملا و چلی را از اطراف افغانستان فریب داده زیر عنوان یک حرکت به نفع اسلام و به دستور سلطنت به کابل آورده، با جمع کردن آنها در مسجد پلی خشتی تظاهرات به راه انداختند و دیگری از طریق تیزاب پاشی بر روی دختران و زنانی که محجبه نبودند، با نشان دادن سبعیت و ددمنشی شان، به نحوی رعب و هراس را در ذهن زنان و دختران تزریق نمودند.

۲- این حرکات که کلاً در زمان صدارت ملاحظه هرزه و هرجائی "موسی شفیق" صورت می گرفت و کسانی که از آن زمان زنده اند ضمن نقل خاطرات شان شخص "موسی شفیق" ملاحظه اخوانی شده را در عقب آن می بینند، از طرف دولت با دو واکنش متفاوت که مبین تضاد های ماهوی افراد و نهاد های سازنده حاکمیت بودند مواجه شد. یعنی از یک جانب "سردار عبدالولی" داماد و پسرکاکای پادشاه که آن موقع "قومندان عمومی قوای مرکز" بود به قطعه منتظره نمبر یک وزارت داخله دستور صادر کرد تا آنها را "تحت الحفظ" به ولایات و خانه های شان رسانیده با گرفتن ضمانت خط رسمی از مقامات دولتی که دیگر دست به چنین اعمالی نخواهند زد، بدون زدن و لت و کوب، سرکوب نمود، مگر از طرف دیگر "جوانان مسلمان" و در جمع آنها "گلبدین" همچنان به شرارت و ردالت خود ادامه داده، در حد توانائی اش با آزار و اذیت زنان و دختران، برای خود شهرت و اعتباری بین بقیه عناصر ارتجاعی کثیف دست و پای می نمود.

۳- مشاهده افراد سازماندهنده و شرکت کننده در تظاهرات ارتجاعی امروز، با شناختی که طی این مدت از نیروهای طالب به دست آمده، از دور فریاد می زد که آنها طالب نیستند، بلکه توله سگان وابسته به "گلبدین" اند که می خواهند با این اسلام نمائی از طریق ترویج و تقدیس زن ستیزی، جای پائی برای خودشان در نظام ماسالار تدارک ببینند.

آنچه در این میان مهم است تضاد در انگیزه ها و محرکات "گلبدین" در دامن زدن به این زن ستیزی ها می باشد. یعنی در حالی که "گلبدین" ۵۰ سال قبل می کوشید با ترویج زن ستیزی و استفاده ابزاری چند ملای نادان و حلوا خور، حاکمیت آن زمان را تحت فشار قرار دهد تا "سازمان جوانان مسلمان" را به مثابه بازوی اجرائی عقب گرایانه حاکمیت سلطنتی به رسمیت بشناسد و دست آنها را در سرکوب نیروهای انقلابی آزاد گذارد، اینک هدف "گلبدین" از تحریک سیاست های زن ستیزانه و حتا عقبمانده تر از طالب و نظام ملا سالار، فراهم ساختن زمینه های دخالت امپریالیستی علیه طالب می باشد. یعنی با تبلیغ سبعانه ترین سیاست ها می کوشد تا طالب را به آن دام ببیندازد تا از طریق دخالت های امپریالیستی علیه طالب برای خود چانس می فراهم سازد.

هموطنان گرامی!

در درازنای تاریخ جوامع انسانی بار ها دیده شده است که افراد، اقشار، طبقات و حتا جنس های معینی در تقابل با خواست ها و منافع قشر، طبقه و جنس خود قرار گرفته با خیانت به آن، چماق دست دشمنان طبقه و جنس خود شده اند. امروز اگر "گلبدین" و باندش قادر می گردند، چند زن خود فروش و جنس فروش را در کنار چند مردن زن ستیز بسیج نمایند، دقیقاً همان راهی را می پیمایند که در انقلاب ایران رژیم ولایت فقیه به سردمداری جلال جماران "خمینی" با آوردن زنان فاحشه از فاحشه خانه ها مانند "پری بلنده" به میدان، پیمود.

هموطنان گرامی!

چنین زنانی که به جنس خود خیانت می ورزند، بیچاره تر از آنند که مورد نفرت قرار گیرند، به اینها می باید به مثابه قربانی نگریم و بر آنها رحم نموده، تلاش کرد تا آنها را از منجلابی که در آن دست و پای می زنند بیرون کشید.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!

*- در قدیم که شاهان و زمامداران، با اسپ اینطرف و آنطرف می رفتند، چه در حضر و چه هم در سفر، معمولاً چند سگ تعلیم یافته را که مطلقاً وفادار به شاه و یا همان زمامدار می بودند، با خود می داشتند. زمانی که شاه یا زمامدار می خواست به سفری برود و یا از سفری بر می گشت، آن سگان آموزش دیده نخستین زنده جانانی می بودند که خود را به پای بوس و رکاب شاه و یا آن زمامدار رسانیده با خیز و جست های شادمانه، مسرت شان را از حضور صاحب شان ابراز می نمودند. در اینجا من کلمه "خوشرقصی" گلبدین برای طالب را به همان مفهوم به کار برده ام.

ع. قریشی